

فرودگاه قلعه مرغی - ۳

مأموریت سرکار استوار

محمد بلوری/ نخستین فرودگاه تهران سال ۱۳۰۱ در منطقه قلعه مرغی بیرون از محدوده جنوبی پایتخت احداث شد تا دو فروند هواپیمای امدایی انگلیس از بغداد به سوی تهران به پرواز در آیند و در این فرودگاه بر زمین نشینند.

باراه اندازی فرودگاه قلعه مرغی، به سرعت در این منطقه خانه سازی شروع شد و با مهاجرت افشار مختلف به قلعه مرغی، شهرکی در حاشیه فرودگاه بنیان گرفت. در میان مهاجران، کیوتربازهایی هم به چشم می خوردند که مسابقات پرخطر کفترپرانی را راه انداختند که خطری برای پرواز هواپیماها به شمار می آمد. در جریان یک مسابقه کیوترپرانی بود که دسته ای از کیوترها با یک هواپیمای نظامی برخورد کردند که سبب سقوط آن شد و در پی این سانحه؛ فرماندار نظامی تهران نگهداری و پرواز کیوتر را ممنوع کرد و مقرر شد کیوتربازان در دادگاه نظامی محاکمه خواهند شد. فرمانداری نظامی تهران اعلام کرده بود، کیوتربازان معروف باید کیوتران خود را در حضور مأموران سربربند و تعهد بپسارند که هرگز اقدام به نگهداری و پرواز کیوتران نخواهند کرد.

در نیمه دوم دهه ۳۰ بتدریج کیوتربازی و برگزاری مسابقات «کفترپرانی» رونق گرفته بود که این بار هم پرواز کیوتران سبب یک سانحه هوایی شد و با برخورد دسته ای از این پرندگان دست آموز هواپیمایی را این بار در فرودگاه دیگری به سقوط کشاند و بار دیگر فرمانداری نظامی برای کشتار کیوتران و قذف کردن مسابقات وارد عمل شد. تحت تأثیر این مبارزه نظامی با کیوتربازی بود که داستان بلند «شلیک به کیوتران» را نوشتم که بر اساس این داستان یک فیلم سینمایی تهیه شد. اما ماجرا چگونه آغاز شد...

یک روز به عنوان دبیر گروه حوادث در تحریریه روزنامه کیهان سرگرم تنظیم گزارش های خبرنگاران بودم، نوحیان شاعر معروف و عضو تحریریه روزنامه به دیدنم آمد و گفت:

- بلوری جان، برای یک استوار که در یک پاسگاه ژاندارمری در حاشیه فرودگاه قلعه مرغی خدمت می کند مشکلی پیش آمده و برای خلاصی از این مشکل عجیب به روزنامه متوسل شده که گره این مشکل فقط به دست تو باز می شود، چون با حوادث مختلف سرو کار داری و با افسران و رؤسای پلیس و ژاندارمری دوست و آشنا هستی.

مشکلتش از روزی شروع شد که او را مأمور مبارزه با کیوتربازی کرده بودند. استوار، مهربان و مردمداری بود که همه ساکنان شهرک قلعه مرغی دوستش داشتند و نقل می کردند هر شب که مأمور گشت محلات می شود، حتی دزدان هم به احترامش آن شب دست به سرقت از خانه ها نمی زنند و این نشان می داد که همه دوستش دارند و برایش احترام قائل هستند. اما از روزی که مأمور مبارزه با کیوتربازی شده غم سنگینی روی دلش نشست چون می دانست در مبارزه با کیوتربازی مجبور است وظیفه اش را انجام بدهد به همین خاطر از آن بیم داشت حرمتش را در میان ساکنان قلعه مرغی از دست بدهد.

با آغاز مبارزه با کیوتر به این استوار مردمدار و مهربان مأموریت داده بودند ژاندارمهای مأمور خدمت در پاسگاه را فرماندهی کند و چنان مبارزه ای را با عشق بازها شروع کند که با گذشت یک هفته کیوتری در آسمان منطقه به پرواز در نیاید. وقتی مأموریت قلع و قمع کیوتران به این استوار واگذار شد با پریشان حالی به فکر افتاد که این مبارزه را چگونه آغاز کند.

استوار قاسمی طبق قولی که به دوستش نصرت الله نوحیان داده بودم عصر روز بعد در تحریریه روزنامه به دیدنم آمد تا مشکلی را که با آن روبه روده بود، برابم تعریف کند.

استوار مرد چاق و کوتاه قامتی بود که چهره مهربانی داشت و سیمای غمگینش نشان می داد که با مشکل سر درگمی روبه روست. گفتم: سرکار استوار به دوستم قول داده ام، آنچه را سبب پریشان حالی شما شده است بشنوم و اگر در حل این مشکل کاری از دستم بیاید، از شما دریغ نکنم. استوار قاسمی، نشست به بیان درد دلش و گفت: وظیفه ای به من واگذار شده که می باید به انجام برسانم.

طبق دستور در اجرای مأموریت «پرواز ممنوع» به ساکنان منطقه یک هفته مهلت داده بودیم کیوتران شان را به پاسگاه بیاورند و این پرندگان معصوم را سربربند و سپس تعهدنامه ای را امضا کنند که حتی با داشتن یک کیوتر در دادگاه نظامی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

کشتار کیوتران شروع شد و برخی از عشق بازها که دل بسته کیوتران گرانبهایی بودند، آنها را به مسافرانی آشنا می سپردند و پول چند ماه ارزن و دانه شان را هم می دادند تا به روستاها و شهرهای دیگر ببردند تا آب ها از آسیاب بیفتند و کیوتران شان را برگردانند.

در پایان یک هفته مهلت، بازرسی از خانه ها را شروع کردم تا با پیدا شدن حتی یک کیوتر در هر خانه ای مجبور بودیم صاحب کیوتر را تحت تعقیب قرار بدهیم، با گذشت یک ماه از مبارزه با کیوتران، واقعه عجیبی برابم اتفاق افتاد که آرامش زندگی ام را بهم زد...

■ ادامه مطلب پنجشنبه آینده

بازگشت عاملان قتل

در شب چهارشنبه سوری به کشور

معرفی کرده اند.

با هماهنگی های قضایی، متهمان کرده بودند شناسایی شد. تعدادی از آنها دستگیر شده و در بررسی های صورت گرفته مشخص شد دو برادر به نام های شهرام و شهریار که از هم محلی های مقتول بوده، عاملان این جنایت هستند.

با شناسایی هویت متهمان به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت، کارآگاهان وارد عمل شدند اما مشخص شد آنها به همراه یکی از دوستانشان به نام بابک که او نیز در این درگیری حضور داشت مخفیانه از ایران خارج شده و به کشور ترکیه فرار کرده اند. با مشخص شدن این موضوع دستور بازداشت متهمان فراری به پلیس بین الملل صادر شد.

در ادامه از طریق پلیس بین الملل و کنسولگری ایران در یکی از شهرهای ترکیه مشخص شد که سه متهم ۱۰ روز پس از فرار به این کشور به خاطر عذاب و جحان و پشیمانی خود را به پلیس

گروه حوادث/ عاملان درگیری مرگبار شب چهارشنبه آخر سال که پس از قتل مردی جوان به کشور ترکیه فرار کرده بودند، به کشور بازگردانده شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۴:۳۰ دقیقه بمباد ۲۷ اسفند سال گذشته، مأموران بیمارستانی در تهران در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت، از مرگ پسر جوانی خبر دادند. با اعلام این خبر، تحقیقات به دستور بازپرس ساسان غلامی آغاز شد. در تحقیقات اولیه مشخص شد پسر جوان به نام امیر، قربانی نزاعی خیابانی در منطقه خزانه شده است. پسر جوان شب چهارشنبه سوری با دوستانش بوده که با چند نفر از محل محلی هایش درگیر شده و با ضربات چاقو و قمه از سوی آنها مجروح شده بود. امیر که بشدت زخمی شده بود به بیمارستان منتقل شد اما تلاش کادر درمان بی فایده ماند و او ساعاتی بعد تسلیم مرگ شد.

فرار عاملان جنایت

وقتی تیم جنایی به محل حادثه رفت در

تحقیقات از شاهدان و دوستان قربانی هویت افرادی که در این نزاع شرکت کرده بودند شناسایی شد. تعدادی از آنها دستگیر شده و در بررسی های صورت گرفته مشخص شد دو برادر به نام های شهرام و شهریار که از هم محلی های مقتول بوده، عاملان این جنایت هستند.

با شناسایی هویت متهمان به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت، کارآگاهان وارد عمل شدند اما مشخص شد آنها به همراه یکی از دوستانشان به نام بابک که او نیز در این درگیری حضور داشت مخفیانه از ایران خارج شده و به کشور ترکیه فرار کرده اند. با مشخص شدن این موضوع دستور بازداشت متهمان فراری به پلیس بین الملل صادر شد.

در ادامه از طریق پلیس بین الملل و کنسولگری ایران در یکی از شهرهای ترکیه مشخص شد که سه متهم ۱۰ روز پس از فرار به این کشور به خاطر عذاب و جحان و پشیمانی خود را به پلیس

■ **گفت و گو با عامل اصلی جنایت**

■ **اختلاف شما با مقتول چه بود؟**

ما اختلافی نداشتیم، من پارچه فروشی دارم و برادرم در کار ساختمان سازی است؛ ما اصلا اهل دعوا و درگیری نیستیم، اما مقتول مدام درگیری ایجاد می کرد. یک شب برادرم به او گفت چرا آنقدر دنبال دعوا و درگیری هستی اما او

کینه ما را به دل گرفت.

■ **شب حادثه چه اتفاقی افتاد؟**

امیر حال طبیعی نداشت، سوار بر موتور عریضه کشی می کرد. دوستانش هم با او بودند و داد و فریاد می کردند،

ما می خواستیم برویم بیرون که با امیر و دوستانش درگیر شدیم. او با نارنجک شیشه ماشین ما را شکست و به خودروی ما آسیب زد ما قصد دعوا نداشتیم اما آنها با ما درگیر شدند.

■ **شما چاقو و قمه داشتید؟**

ما نداشتیم؛ برادرم شهرام با یک تکه چوب از خودش دفاع می کرد. برادر امیر هم با شهرام درگیر بود. یک چاقو روی زمین افتاده بود برادرم آن را برداشت و چند ضربه به دست امیر زد، اما ناگهان چاقویی به شقیقه چپ برادرم فرو کردند و او بی حال روی زمین افتاد. من با امیر همچنان درگیر بودم که چاقوی امیر روی زمین افتاد و من آن را برداشتم و چند ضربه به شانه های امیر زدم.

■ **بعد کجا رفتید؟**

شهرام را برای درمان به بیمارستان



تصمیم گرفتیم که خودمان را معرفی کنیم؛ اما نمی دانستیم باید چه کار کنیم تا اینکه یک ایرانی به ما گفت خودتان را به پلیس ترکیه معرفی کنید و بگویید قاچاقی به ترکیه آمده اید و درخواست بازگشت به ایران دارید.

■ **و شما هم این کار را کردید؟**

بله، با دیدن مأموران پلیس به آنها گفتمیم که ما قاچاقی وارد ترکیه شده ایم و خواهان برگشت هستیم. آنها هم ما را به کنسولگری ایران در یکی از شهرها معرفی کردند. به خاطر کرونا و به خاطر اینکه قرار بود ۲ ایرانی دیگر را نیز با ما به ایران برگردانند ۱۰ روزی در یک کمپ در ترکیه ماندیم. به ایران هم که آمدمیم به خاطر کرونا ۱۰ روز قرنطینه بودیم و بعد از آن هم به اداره آگاهی منتقل شدیم.

بردیم و پس از پانسمان به خانه ویلایی در کرج رفتیم. چند ساعت بعد از درگیری متوجه شدیم که امیر کشته شده است. از ترس تصمیم به فرار گرفتیم. اول به ماکو رفتیم. من و برادرم و بابک، همکار شهرام، البته بابک می خواست برگردد چون در قتل نقشی نداشت اما از ترس اینکه اتفاقی برایش رخ دهد تصمیم گرفت که با ما بیاید و از ماکو با کمک یک قاچاق بره به زمیر ترکیه رفتیم. قاچاق بر نفری هزار و صد دلار گرفت و ما را به زمیر ترکیه برد.

۱۰ روز در ترکیه ماندیم، با پولی که همراه برده بودیم خانه ای اجاره کردیم و اصلا جایی نمی رفتیم. اما در تمام مدتی که فراری بودیم عذاب وجدان داشتیم و لحظه درگیری، مثل یک کابوس ما را رها نمی کرد. برای همین

زندان و دیه مجازات قتل غیر عمد

جایگاه رفت و گفت: من و حسن چند سال با هم دوست و همکار بودیم و هیچ مشکل اختلافی نداشتیم. روز حادثه با هم شیشه کشیدیم و حال طبیعی نداشتیم که به سمت جاجرو در رفتیم. در جاجرو به یکباره حسن اسلحه ای از جیبش بیرون آورد و آن را به من نشان داد. من تا به حال اسلحه در دستم نگرفته بودم و نمی دانستم چطور شلیک می کند حسن گفت اسلحه مسلح است. وقتی دستم را روی ماشه گذاشتم ناخواسته یک تیر شلیک شد و به سرش برخورد کرد. من ترسیده بودم به همین خاطر بلافاصله از ماشین پیاده شدم و از ترسم اسلحه را زیر ماشین انداختم و فرار کردم. متهم در ادامه گفت: حسن تنها کسی بود که وقتی به مشکل برخورد بودم و همه طردم کرده بودند، کمکم کرد و دستم را گرفت. من از اولیای دم به خاطر آنچه اتفاق افتاده است عذرخواهی می کنم ولی هیچ عمدی در کار نبود.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک های موجود در پرونده، قاسم را از اتهام قتل عمدی تبرئه و وی را به خاطر قتل شبه عمد به پرداخت دیه و ۳ سال زندان محکوم کردند. با اعتراض اولیای دم به این حکم، پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت اما در نهایت قضات دیوان عالی کشور حکم دیه و زندان متهم را تأیید کردند.

گروه حوادث/ قضات دیوان عالی کشور

حکم دیه و حبس مردی را که به اتهام قتل دوستش محاکمه شده تأیید کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آذر سال ۹۸، با کشف جسد جوانی ۳۶ ساله به نام حسن در یک خودرو وانت در جاده جاجرو در آغاز شد. شواهد نشان می داد که مقتول با شلیک گلوله به سرش به قتل رسیده است. تحقیق از شاهدان نشان داد مردی پس از این حادثه اسلحه را زیر خودرو انداخته و فرار کرده است. همسر مقتول در تحقیقات گفت: حسن فقط با دوستش قاسم در ارتباط بود و با هم کار می کردند. روز حادثه هم با قاسم قرار گذاشت و بعد از آن او کشته شد.

در ادامه قاسم ۴۰ ساله بازداشت اما منکر قتل عمدی حسن شد.

با اعتراضات قاسم و تکمیل تحقیقات، پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران رفت و متهم محاکمه شد.

در ابتدای جلسه اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کردند. همسر مقتول هم به قضات گفت: ما خیلی به قاسم کمک کردیم ولی او زحمات شوهرم را نادیده گرفت و بی رحمانه حسن را به قتل رساند. به همین خاطر از طرف فرزندانم برای او قصاص می خواهم.

سپس متهم برای دفاع از خودش به

قتل با خودروی امانتی



او خواستیم سوار خودروی ما شود اما در همین موقع یک خودروی پژو ۲۰۶

که سه سرنشین داشت نیز مقابل پای دختر جوان ایستاد. وقتی یکی از پسرها از خودرو پیاده شد تا مانع سوار شدن دختر جوان به خودروی ما شود من عصبانی شدم و با خودرو او را زیر گرفتم بعد هم بلافاصله از محل متواری شدیم. فکر نمی کردم پسر جوان کشته شود و الان خیلی پشیمانم.

متهم ۴۰ ساله و دوستش پس از اعتراف به قتل بازداشت و برای تکمیل پرونده به دادسرای جنایی منتقل شدند.

را سوار شده و ضارب پسر جوان وی بوده است.

این متهم پس از انتقال به اداره پلیس لب به اعتراف گشود و در شرح جزئیات ماجرا به کارآگاهان جنایی گفت: شب حادثه من و یکی از دوستانم تصمیم گرفتیم با یکی از خودروهایی که در نمایشگاه بود در خیابان گشتی بز نیم و تفریح کنیم به همین خاطر خودروی شاسی بلندی را که صاحبش برای فروش آورده بود برداشتیم و به خیابان های شمال کرج رفتیم. دقایقی بعد یک دختر جوان را کنار خیابان دیدیم و از

گروه حوادث/ شاگرد نمایشگاه که با خودروی امانتی یکی از مشتریان برای گردش به خیابان رفته بود پسر جوانی را زیر گرفت و باعث مرگ وی شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از دوم اردیبهشت امسال به دنبال مرگ پسر ۲۲ ساله ای شروع شد که در اثر برخورد با یک خودروی شاسی بلند در محدوده عظیمیه کرج کشته شده بود. نخستین تحقیقات پلیس نشان می داد راننده خودرو پس از زیر گرفتن این پسر جوان بلافاصله از محل متواری شده است. کارآگاهان جنایی استان البرز پس از بازبینی دوربین های مدار بسته و همچنین اطلاعاتی که از شاهدان حادثه به دست آورده بودند، توانستند خودروی مورد نظر را کشف کنند.

پس از شناسایی مالک خودروی به اداره پلیس احضار شد اما مرد جوان مدعی شد مدتی است خودرواش را برای فروش در یک نمایشگاه خودرو گذاشته است و شب حادثه اصلا خودرو نزد او نبوده است. بدین ترتیب مأموران پلیس به سراغ نمایشگاه خودرو رفتند تا مشخص شود شب حادثه چه کسی سوار بر خودرو بوده است. پس از تحقیقات گسترده سرانجام مشخص شد شاگرد نمایشگاه آن شب خودروی شاسی بلند

قتل ۳ نوزاد در مهد کودک برزیلی



پسر جوانی در اقدامی جنون آمیز با حمله به یک مهد کودک در برزیل سه کودک و دو کارمند مهد را به قتل رساند.

به گزارش بی بی سی، این حادثه هولناک روز گذشته در یک مهد کودک در شهر کوچکی به نام سوادادس در ایالت جنوبی سنتا کاتارینا رخ داد و پسر ۱۸ ساله ای با یک قمه ناگهان وارد مهد شد و سه کودک زیر ۲ سال و دو کارمند مهد را به قتل رساند؛ مهاجم پس از کشتن و زخمی کردن کودکان و کارمندان در این مهد کودک، خودش را هم با قمه بزرگی که در دست داشته زده است.

به گزارش پلیس، این جوان ۱۸ ساله اکنون به علت جراحات شدید در بیمارستان بستری است و حالش وخیم گزارش شده است. هویت مهاجم هنوز علنی نشده است.

پلیس می گوید از انگیزه پشت این حمله خوئین و تأسف بار هنوز سر درنیارده است. در زمان حمله، ده ها کودک در داخل این مهد کودک بودند و به گفته مقام ها، کارمندان به محض متوجه شدن حضور مهاجم تلاش کردند کودکان را در گوشه و کنار ساختمان پنهان کنند.

حوادث جهان

۲ معدنچی همچنان در حبس



گروه حوادث/ پنجمین روز از تلاش امدادگران برای نجات دو معدنچی که در حادثه ریزش معدن زغال سنگ طرزه دامغان در عمق ۳۵ متری محبوس شده اند در حالی سپری شد که هنوز دسترسی به این دو کارگر بی نتیجه مانده است.

به گزارش خبرنگاری صداوسیما استان سمنان، شریف مدیرعامل شرکت زغال سنگ البرز شرقی گفت: امدادگران در دو جهت از بالا و پایین در حال پیشروی به سوی محل حادثه هستند.

وی با اشاره به لزوم استحکام سازی تونل های نجات در حال حفر گفت: در این تونل ها مرتب شاهد ریزش آوار هستیم، بنابراین همزمان با حفر تونل برای حفظ جان امدادگران عملیات استحکام سازی هم انجام می شود. حادثه ریزش معدن زغال سنگ حدود ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در تونل شماره ۴۲ معدن طرزه در کارگاه استخراج ۱۳ ک پشرو، هنگام استخراج و به دلیل ریزش ناگهانی سقف کارگاه رخ داد و در این حادثه دو کارگر به نام های میلاد روشنائی و سید اصغر افضلی محبوس شدند.

۳۷ کشته در سیل افغانستان

مقام های ولایت هرات در غرب افغانستان اعلام کردند که به دلیل جاری شدن سیل ۳۷ نفر در ولایت های مختلف جان خود را از دست داده اند.

به گزارش بی بی سی، سخنگوی والی هرات اعلام کرد که در حوادث مرتبط با سیل شماری نیز مصدوم و زخمی شده اند و صدها جریب زمین کشاورزی تخریب و صدها رأس دام نیز از بین رفته یا آسیب دیده است. والی غور در مرکز افغانستان نیز تأیید کرده که در ۴۸ ساعت گذشته سیل ۱۰۰ نفر را در این ولایت گرفته که شش نفر آنان کودک بودند. او گفت: بعلاوه ۹۱۰ نفر به دلیل تخریب خانه هایشان اکنون در فضای باز و هوای سرد



زندگی می کنند و همچنین ۶۵۰ هکتار باغ، ده ها کیلومتر کانال آبیاری و ده ها پل و راه ارتباطی نیز ویران شده اند. در روزهای گذشته بارندگی سنگین و جاری شدن سیل علاوه بر هرات در هشت ولایت این کشور باعث بر جای ماندن خسارت زیادی شده است.